



تاریخ شفاهی فرماندهان جنگ ایران و عراق

دکتر حسین اردستانی*

<p>پژوهش‌های دفاع مقدس دارای عرصه‌ای بسیار گسترده و وسیع است و فعالیت ۳۳ ساله مرکز اسناد نیز پس از جنگ - که آثار قابل‌اعتنایی منتشر کرده - پاسخ‌گوی نیازها و حجم کارهایی که باید انجام شود نیست و درباره مهمترین موضوعات جنگ عراق و ایران، به ویژه در زمینه موضوعات بنیادی و اساسی جنگ کاری انجام نشده است. با این وجود اگر پژوهش‌ها را به دو حوزه مطالعات مکتوب و شفاهی تقسیم کنیم در حال حاضر پژوهش‌های مکتوب به لایه‌های زیرین موضوعات و پدیده‌های مرتبط با دفاع مقدس کمتر پرداخته‌اند. برای رفع این نقیصه می‌توان با استفاده از پژوهش‌های شفاهی، حجم بیشتری از مطالب را که قلم‌ها به‌سختی می‌توانند بخشی از آن را در چارچوبی روشمند و قاعده‌مند ارائه کنند ثبت و ضبط نمود. تاریخ شفاهی، راه میانبر پژوهش‌های جنگ تحمیلی است. به‌رغم محدودیت‌های پیش رو، این روش قادر است به عرصه نویسندگی و پژوهش‌های جنگ عراق و ایران، وسعت قابل‌ملاحظه‌ای بخشیده، ابعاد وسیع این پدیده بزرگ و تاریخی را جست‌وجو و ثبت و ضبط کند. در این نوشتار، اهمیت تاریخ شفاهی فرماندهان جنگ تحمیلی و میزان پیشرفت این پروژه در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، توضیح داده شده است.</p>	<p style="text-align: center;">چکیده</p>
<p>واژه‌های کلیدی: پژوهش‌های دفاع مقدس، تاریخ مکتوب، تاریخ شفاهی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، فرماندهان دفاع مقدس، راویان جنگ</p>	

مقدمه

تجربی است. دفاع مقدس نیز باتوجه به ابعاد، دامنه و عمق آن، مسئله امروز و فردای نظام جمهوری اسلامی و جامعه ایرانی است نه یک رویداد تاریخی که ۲۶ سال از پایان آن سپری شده است و به آن نیازی نیست. ملت ایران حافظه تاریخی مثبت و منفی خود را باید حفظ و به‌روز کند و درباره دفاع مقدس، نیاز مبرم دارد که آن را در صدر حافظه خود نشانده، مدام در مسائل مهم به آن رجوع کند تا

برای بهتر حکومت‌کردن و افزایش توان قدرت سیاسی و حفظ قدرت مقاومت ملی، جنگ تحمیلی باید بیشتر و دقیق‌تر مطالعه و بررسی شود. به‌منظور داشتن آینده‌ای بهتر باید پژوهش‌های اساسی و بنیادی درباره دفاع مقدس انجام شود و نتایج آن در اختیار جامعه، دولت و نیروهای مسلح قرار داده شود. آینده بدون گذشته، فاقد پشتوانه و الگوهای

* استاد دانشگاه و رئیس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

راویان و تاریخ جنگ

کار سترگ و کم‌نظیر راویان، ثبت و ضبط میدانی و وسیع رویدادهای دفاع مقدس به مدت هشت سال بوده است. در شرایطی که بسیاری از رزمندگان و بسیجی‌ها حاضر نبودند حتی در خط‌های دفاعی مستقر شوند و فقط به جبهه می‌آمدند که در حمله شرکت کنند، راویان باید با دفترچه و ضبط‌صوت و خودکار، فقط به تاریخ‌نگاری جنگ مبادرت می‌کردند. آن‌زمان به راویان، «سیاسی» می‌گفتند و نام راوی یکی دو دهه است که برازنده آنان شده و الا آنها تاریخ‌نویسان جنگ بودند که با هدف ممانعت از تحریف تاریخ انقلاب اسلامی، در جبهه‌ها و در کنار فرماندهان تیپ و لشکرهای سپاه پاسداران حضور می‌یافتند و جزئیات و کلیات جنگ را در همه زمینه‌ها از برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، طراحی، اجرای عملیات و سیر جنگ گرفته تا زمینه‌ها و عوامل، نتایج و نیز پیروزی‌ها و شکست‌ها، در نوارها و دفاتر خود درج می‌کردند و مشاهدات خود را می‌نوشتند. بچه‌های دفتر «سیاسی» حق نداشتند و مجاز نبودند که جز ثبت و ضبط امور قرارگاه یگان خود، در صحنه نبرد نیز وارد شده، بجنگند و باید دندان روی جگر می‌گذاشتند و کنار فرماندهان و درون قرارگاه یا همراه فرمانده لشکرها در خط می‌ماندند.

پس از هشت سال جنگ و دفاع از انقلاب اسلامی در جبهه‌های نبرد، راویان گنجینه ارزشمندی از دفاع مقدس را به یادگار گذاشتند که هر چه از زمان آن فاصله می‌گیریم، ارزش و قدر آن بر همگان آشکارتر می‌شود. میلیون‌ها سند، ۲۹۰۰۰ نوار کاست، ۱۲۰۰ دفترچه راوی و ده‌ها گونه سند دیگر حاصل مجاهدت و خون‌دل راویان است که از دوران طلایی تاریخ ایران، در مرکز اسناد نگهداری می‌شود.

پس از پایان یافتن جنگ در مرداد ۱۳۶۷ و آتش‌بس میان ایران و عراق، رزمندگان، فرماندهان و راویان از جبهه‌ها به شهرها و تهران بازگشتند و هریک

بتواند راه را باز یابد و شئون ملی خود را حفظ کند. دفاع مقدس پشتوانه جدید و غنی فرهنگ و هویت ملی ایرانیان است که ارزان آن را به دست نیاورده‌اند و خون شهیدان و نام آنها بر هر کوی و برزن از پایتخت تا روستاهای دوردست، نشانه هزینه ملی برای این دستاورد است. اگر به گفته امام خمینی^(ره) ۲۲ بهمن و انقلاب اسلامی موجب شکل‌گیری تاریخ جدید ایران شده است، دفاع مقدس هزینه تاریخ جدید ایران و تثبیت و نهادینه‌کردن آن را سبب گردیده است. با دفاع مقدس،

ایران و اسلام، خود را بازتولید کرده‌اند. دفاع مقدس توانست با الگوی عینی و نه ذهنی و زبانی، عاشورا را عصری کند و ایران نیز پس از قرن‌ها به بُن‌مایه جدیدی دست یافت که پس از ورود اسلام به ایران فاقد آن بوده و از این پس توانسته با چهره جدید، خود را به نسل‌های آتی و جهان عرضه کند. پرداختن به دفاع مقدس سبب شد که ایران و مسلمان ایرانی دیگر به ارتجاع برنگردند و با اتکا

به توانایی‌های جدید، استقلال و توسعه را با حفظ هویت ملی و دینی بومی کنند و به جهان اسلام نیز مدد رسانند.

در این نوشتار، اهمیت تاریخ شفاهی فرماندهان جنگ تحمیلی و میزان پیشرفت این پروژه در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، توضیح داده شده است. همچنین در این جهت، چند فرمانده اصلی همچون محسن رضایی، رحیم صفوی، غلامعلی رشید، علی شمخانی، عزیز جعفری و احمد غلامپور در چند پاراگراف توصیف شده‌اند.

دفاع مقدس پشتوانه جدید و غنی فرهنگ و هویت ملی ایرانیان است که ارزان آن را به دست نیاورده‌اند و خون شهیدان و نام آنها بر هر کوی و برزن از پایتخت تا روستاهای دوردست، نشانه هزینه ملی برای این دستاورد است.

فرماندهان و پژوهش‌های تاریخ جنگ

فرماندهان بیش از هر کس دیگر خود را صاحب و متولی دفاع مقدس می‌دانند، زیرا روزهای سخت کارزار و دفاع از نظام، انقلاب و کشور یک دهه در گرو مجاهدت و جان‌فشانی بی‌بدیل آنها بوده است. آنان مانند راویان به چند دسته تقسیم می‌شوند و از میان فرماندهانی تنی چند به جمع‌آوری اسناد و تدوین عملکرد یگان خود مشغول شده‌اند و یکی دو نفر هم در میان آنها به نوشتن روی آورده‌اند؛ سردار صفوی و سردار علایی. سردار صفوی به عرصه پژوهش

در شرایطی که بسیاری از رزمندگان و بسیجی‌ها حاضر نبودند حتی در خط‌های دفاعی مستقر شوند و فقط به جبهه می‌آمدند که در حمله شرکت کنند، راویان باید با دفترچه و ضبط‌صوت و خودکار، فقط به تاریخ‌نگاری جنگ مبادرت می‌کردند.

ژئوپلیتیک و رشته دانشگاهی و استادی خود وارد شده و کتاب‌های بسیاری نیز منتشر کرده، است. ایشان پس از دو سال پیگیری اخیراً (دی ۱۳۹۲) موافقت کرده‌اند که تاریخ شفاهی‌شان با مرکز آغاز شود.

سردار علایی در میان فرماندهان عمدتاً در زمینه دفاع مقدس مقاله و کتاب نوشته است. وی پس از نوشتن مقاله‌ای، راه را بر امکان استفاده از وی در دفاع

مقدس محدود کرد و کتاب دو جلدی او با عنوان *روند جنگ ایران و عراق* نیز با مشکلات فراوان چاپ شد، درحالی‌که انگیزه اصلی عمق‌بخشی و توسعه ادبیات (پژوهش) دفاع مقدس با اتکا به منابع دست اول و صیانت از این ثروت ملی بوده است.

آقای دکتر محسن رضایی نیز به عنوان صاحب اصلی جنگ و کسی که از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ و پایان جنگ کانون موضوعات جنگ در سطوح مختلف بوده است، به تألیف روی آورده و یکی دو اثر منتشر کرده است. هم‌وغم وی نیز ایران، آینده آن

از آنها سرنوشت متفاوتی پیدا کردند. راویان باید وارد دوره جدید و تاریخ‌نگاری و تکمیل و توسعه آنچه جمع‌آوری کرده بودند می‌شدند و با انتشار کتاب‌های مرتبط، جامعه را از دستاوردهای خود آگاه می‌کردند. راویان پس از جنگ به چند دسته تقسیم شدند: تعدادی که خیلی حرفه‌ای در راوی‌گری ورود نکرده بودند و مانند بسیجی‌ها به‌طور متناوب به مرکز مطالعات و تحقیقات دفاع مقدس کمک می‌کردند، به‌دنبال درس و مشق و سپس کسب و کار خود رفتند و چندی بعد دکتر، مهندس، تاجر و... شدند. راویان اصلی به سه دسته تقسیم شدند: دسته اول مرکز را رها کردند و وارد کارهای اجرایی شدند و پس از چندی به کار اقتصادی پرداختند و امروز عنوانی کسب کرده‌اند. دسته دوم در پی تحصیلات رفتند و کمابیش با مرکز همکاری کردند؛ و دسته سوم در مرکز ماندند یا از مرکز رفتند، اما از تاریخ جنگ جدا نشدند. در میان دسته سوم، تعدادی توان نوشتن نداشتند، برخی به نوشتن بی‌علاقه بودند، بعضی نیز دغدغه معیشت آنها را از نوشتن باز داشته، به کارهای زودبازده مثل نظارت بر پروژه‌های پژوهشی و کارشناسی طرح‌های تحقیقاتی پرداختند، درحالی‌که توانمند بودند و برخی نیز از دنیا رفتند. آنان که ماندند و نوشتن تاریخ جنگ برای آنها موضوعیت دارد، انگشت‌شمارند و بار سنگینی بر دوش دارند و کمتر حمایت می‌شوند. اینان توانسته‌اند پس از جنگ تاکنون آثار قابل توجهی در موضوعات مختلف روانه بازار کنند و کارهای بزرگی نیز در دست اجرا دارند، اما با محدودیت‌های بسیار سازمانی، امکانات و... مواجه هستند. در این باره حرف بسیار است. در میان افراد عبارت رایجی بیان می‌شود که «گل راوی‌گری را از ابتدا با رنج و تعب سرشتند» و امروز ادامه دیروز است، اما همچنان امیدوارند که مسئولان سپاه موضوع کار آنها را موضوع امروز و فردا بدانند، نه موضوع دیروز و پریروز.

اگر نگاه حضرت رهبری را تابلوی راهنما قرار دهیم، وضع بسیار آشفته‌تر از این است. ایشان فرمودند: «این هشت سال دوره دفاع مقدس شامل هزاران هزار حادثه است... از این هزاران هزار حادثه، لااقل یک فهرست تهیه کنید، بنشینند فکر کنند و در حوادث جنگ، دقت نظر هنرمندانه به خرج دهند... ببینند که چقدر از این فهرست را ما پر کرده‌ایم. من اعتقاد این است که اگر این کار صورت گیرد، خواهیم فهمید که ما یک‌هزارم آنچه را که درباره این جنگ می‌باید تبیین کرد و می‌توان تبیین و موشکافی کرد، هنوز بیان نکرده‌ایم.»

به نظر نگارنده، ساختارهای مرتبط به دفاع مقدس کار خود را به اندازه قلم خود انجام می‌دهند و فهم مقام عالی نظام را کنار نهاده‌اند و عرصه پژوهشی دفاع مقدس مورد اعتنای لازم قرار نمی‌گیرد و مرکز که می‌خواهد نمی‌تواند، زیرا از حمایت لازم برخوردار نیست و به‌عکس فشار روی آن زیاد است.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و پژوهش‌های جنگ

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس (مطالعات و تحقیقات جنگ سابق) با توان راویان و نیز توان برخی دانشگاهیان (در بخش مباحث غیرنظامی) به ۷ الی ۱۰ عرصه ورود کرده و در هریک، آثاری را مورد پژوهش قرار داده و به زیور طبع آراسته است از جمله: مجموعه روزشمار، اطلس، تاریخ جنگ، عملیات‌ها، فرماندهان، رهبری (امام و مقام عالی رهبری و دفاع مقدس)، ترجمه برخی کتاب‌های مرکز به زبان‌های خارجی، ترجمه تعداد معدودی از کتاب‌های خارجی به زبان فارسی، سیاست بین‌المللی و جنگ تحمیلی، نقد و بررسی جنگ، انتشار فصلنامه‌نگین با موضوع دفاع مقدس (۴۶ شماره) و پژوهش‌نامه دفاع مقدس (۸ شماره) و نیز تعدادی نشست‌های موضوعی و نقد کتاب و مانند آن.

و موضوعاتی از این دست می‌باشد و البته بیش از دیگران درخصوص دفاع مقدس احساس مسئولیت می‌کند و بیش از همه نیز در معرض نقدها و اهانت و تهمت‌های پس از جنگ می‌باشد.

در انتقال واقعیات دفاع مقدس ابتدا راویان و پس از آن فرماندهان می‌توانند نوشته‌ها و متون اساسی دفاع مقدس را به جامعه عرضه کنند، اما متأسفانه آنچه که باید انجام می‌شده نشده و فرصت‌ها نیز رو به کاهش است.

پژوهش‌های دفاع مقدس

عرصه پژوهش‌های دفاع مقدس بسیار وسیع است و فعالیت ۲۵ ساله مرکز اسناد نیز پس از جنگ - که آثار قابل‌اعتنایی منتشر کرده - پاسخ‌گوی نیازها و حجم کارهایی که باید انجام شود، نیست. درباره مهمترین موضوعات جنگ عراق و ایران مانند: بسیج، عملیات‌ها، یگان‌ها، فرماندهان، تاریخ جامعه جنگ و... که خواسته مقام عالی رهبری از بنیاد حفظ آثار در ستاد کل نیروهای مسلح بود، کاری انجام نشده و بیشتر به ابعاد صوری جنگ و وظایف غیرستادی پرداخته شده است. همچنین درخصوص راهبرد دفاع مقدس، نظریه‌پردازی درباره جنگ عراق و ایران و دفاع مقدس، توانمندی‌های سپاه پاسداران در دوران دفاع مقدس، توانمندی‌های ایران در دوران جنگ تحمیلی، ضعف‌های نیروهای مسلح در جنگ عراق و ایران، سبک جدید فرماندهی و صدها موضوع از این دست که به نظر راقم سطور جزء پروژه‌های بنیادی و اساسی جنگ عراق و ایران هستند، پژوهشی انجام نشده است یا از زاویه‌ای محدود به آنها نگاه شده است، به‌خصوص موضوع بسیج با همه وسعت و تأثیرگذاری و تأکیدی که بر آن شده، پرداخته نشده و چیستی و چگونگی نقش این پدیده بی‌بدیل در تاریخ انقلاب اسلامی در سطح ملی و صحنه نبرد واکاوی نشده است.

عاطفی؛ جزئیات، کلیات و روند و نتایج امور و موضوعات دیگر را بیان کنند. همچنین براساس طرح گفت‌وگو و موضوع و سؤال که لازمه یک تاریخ شفاهی مناسب است، به دهها موضوع دیگر وارد شده، آنها را به دیگران که در صحنه نبوده‌اند منتقل کنند. مهم‌ترین نقیصه تاریخ شفاهی که اکنون پس از نزدیک سه دهه پس از جنگ و پس از سال‌های میانی جنگ و اتفاقات روی داده در دفاع مقدس، از زبان فرماندهان و دیگران بیان می‌شود آن است که با دقت کافی پژوهشی همراه نیست و احتمال فراموشی در آن وجود دارد، اما با همه اینها، می‌تواند بخش اعظم حوادث را با اندکی کم‌وکاستی، منتقل کند.

فرماندهان جعبه اسرار جنگ تحمیلی

فرماندهان و رزمندگان، حاملان صحنه‌های نبرد هستند و آنها فقط می‌توانند ابعاد میدانی دفاع مقدس را بیان کنند که اکثر آنها به خاطره‌گویی می‌پردازند و به بخش پژوهش وارد نمی‌شوند. فرماندهان در دوران جنگ تحمیلی در سطوح مختلف ایفای نقش کرده‌اند که تاریخ شفاهی آنها با اتکاء به موضوعات مربوط به رخدادهای صحنه نبرد و گفته‌ها و ناگفته‌های آن، مفاهیم غنی پژوهشی را فراهم می‌کند. این فرماندهان در سطوح مختلف ایفای نقش کرده‌اند:

سطح اول: طراحی و تصمیم‌گیری؛ قرارگاه خاتم و مرکزی.
سطح دوم: عملیاتی؛ قرارگاه‌های کربلا، نجف، قدس، نوح و قرارگاه‌های تاکتیکی.
سطح سوم: سطح تاکتیکی؛ قرارگاه‌های لشکری.
سطح چهارم: صحنه نبرد؛ قرارگاه‌های گردانی و نقش‌های گروهانی و دسته.

در سطح اول، محسن رضایی، سیدرحیم صفوی، غلامعلی رشید، علی شمخانی و محسن رفیق‌دوست ایفای نقش کرده‌اند که جعبه‌سیاه جنگ را در این سطح - با تأکید - به‌خصوص در ذهن محسن رضایی می‌توان جست‌وجو کرد.

مرکز در ربع قرن پس از آتش‌بس میان ایران و عراق، بر این امر واقف است که در حوزه پژوهش‌های دفاع مقدس، کارهای بی‌شماری بر زمین مانده که برخی از آنها برای حفظ این ثروت ملی و جامعه‌پذیری ایرانیان و نیز بقای سپاه پاسداران و حفظ روحیه پاسداران نسل‌های بعد با الگوپذیری از دفاع مقدس و نیز استحکام نظام سیاسی اسلامی، ضروری می‌باشند.

پژوهش‌های تألیفی و پژوهش‌های شفاهی

پژوهش و تبدیل آن به متن، یعنی خلق اثر در زمینه موضوعی خاص، که به خالق آن نویسنده می‌گویند، جزو سخت‌ترین کارها است، به‌خصوص که نویسنده به قلم، خالق قلم و مخاطب قلم تعهدات انسانی و ایمانی داشته باشد و نیز در کیل کم نگذارد و آن را نفروشد. چنین قلمی کمیاب است و نویسندگان حاضر نیز کمتر قادر هستند به عمق و لایه‌های زیرین موضوعات و پدیده‌های مرتبط با دفاع مقدس ورود کنند. اما نوشته‌های مکتوب در صورت رعایت تعهد و امانت، دقیق بوده و از حدس و احتمال و اشتباه و فراموشی و موضوعاتی مانند آن، عاری هستند و بیشتر از پژوهش‌های شفاهی می‌توان روی آنها حساب کرد.

تاریخ شفاهی دفاع مقدس که با زبان و بیان همراه است، قدرت زیادی برای واردشدن به لایه‌های زیرین و ابعاد وسیع‌تر موضوعات، جنبه‌های عقلانی، عاطفی، عشق و... دارد و به‌دلیل برخوردار بودن از قدرت زبان، حجم بیشتری از مطالب را می‌تواند افاده کند که قلم‌ها به‌سختی می‌توانند بخشی از آن را در چارچوبی روشمند و قاعده‌مند ارائه کنند. تاریخ شفاهی همچنین به کسانی که بر موضوع در حد و نقش خود احاطه دارند، اما قدرت نویسندگی ندارند این امکان را می‌دهد که ابعاد دفاع مقدس را بشکافند و چرایی و چیستی موضوعات؛ نکات فنی، روحی،

دوره مشروطه و دوره ملی شدن نفت در همین مقطع، دستاوردهای ملی، آزادی خواهی و استقلال طلبی ملت، توسط استبداد داخلی و حامی خارجی آن از بین رفت و باردیگر سرکوب داخلی و سلطه خارجی ادامه پیدا کرد. در مبارزات امت اسلامی در کشورهای اسلامی در سال ۲۰۱۳ میلادی، در مصر و یمن نیز همین اتفاق افتاد. مصریان هنوز دو سال از انقلابشان نگذشته در مواجهه با کودتای نظامیان با حمایت امریکا و رژیم صهیونیستی و نیز بستر مساعد داخلی که اسلام گرایان نتوانستند وفاق ملی ایجاد کنند، آزادی خود را از دست دادند. در ایران سال ۱۳۵۸ نیز اگر رهبری و سپاه نبودند همین اتفاق می افتاد، اما اطلاعات سپاه با مسئولیت رضایی مانع تکرار حوادث تلخ تاریخ ایران شد.

تاریخ شفاهی محسن رضایی همچنین به دفاع مقدس پرداخته است و در نشست‌ها درباره جنگ، تجاوز عراق و مقاومت ایران بحث شده است. در آینده نزدیک تاریخ شفاهی ایشان در ۳ جلد به حجم تقریبی ۱۶۰۰ صفحه منتشر خواهد شد که سه مقطع را در بر خواهد گرفت: از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تا ۸ آذر ۱۳۶۰ مربوط به زمانی است که آقای رضایی فرمانده جنگ نیست. ایشان در شهریورماه ۱۳۶۰ که به فرماندهی سپاه منصوب شده بود از عملیات طریق القدس (۸ آذر ۱۳۶۰) علاوه بر فرماندهی سپاه، به فرماندهی جنگ نیز ورود می کند و از همین زمان است که با همراهی علی صیاد شیرازی، ستاره درخشان انقلاب در نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، آزادسازی مناطق اشغالی کشور آغاز می شود که در ادامه به فتح خرمشهر (۳ خرداد ۱۳۶۱) می انجامد. در تاریخ معاصر ایران (حدود ۲۲۰ سال)، این اولین بار است که ایران با اتکاء به اسلام و مردم، توانسته از خود، ارزش‌ها و سرزمینش دفاع کند و نه تنها به قدرت‌های بزرگ تکیه نکرده، بلکه این بار درحالی که ایرقدرت‌ها نیز حامی تجاوزگر بوده‌اند، باز هم پیروز شده است.

مرکز در دهه ۷۰ برای تدوین تاریخ شفاهی آقای رضایی تلاش فراوانی کرد، اما به نتیجه نرسید و در دوره جدید (سال ۱۳۸۶ ایشان موافقت کردند که تاریخ شفاهی شان آغاز شود) این مهم از بهمن ۱۳۸۸ شروع شد و به رغم وقفه‌های کوتاه مدت و بلندمدت (از دو سه هفته تا ۸ ماه و یک سال)، تاکنون ۶۰ جلسه برگزار شده که آخرین جلسه آن ۸ بهمن ۱۳۹۲ بوده است. در این ۶۰ جلسه تلاش شد به منشأ اجتماعی، روابط خانوادگی و دوره تحصیل و مبارزه سیاسی ایشان تا پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ و پس از انقلاب به شکل گیری واحد اطلاعات سپاه پاسداران و ورود اطلاعات سپاه برای خاتمه دادن به بحران آفرینی های گروه های فرقان، مجاهدین خلق (منافقین)، گروه های چپ، غائله گنبد، خلق عرب، کودتای نقاب (نوزه) و برخی موضوعات دیگر پرداخته شود، چراکه نقش آقای رضایی در شرایط بحرانی پس از انقلاب تا قبل از فرماندهی

جنگ، اهمیت و تأثیر کلیدی آن در حفظ نظام و امکان عبور انقلاب از مرحله جنینی به بلوغ و تکامل، به کل مفقود مانده است. متأسفانه آقای رضایی حاضر نشدند باز هم به طور مبسوط به این دوره سرنوشت ساز در تاریخ انقلاب بپردازند و به برخی موضوعات مثل گردستان اصلاً وارد نشدند، اما آنچه که گفته شد جزو ناگفته های انقلاب اسلامی و نقش بی بدیل سپاه پاسداران است. این مقطع به دلیل عدم استقرار و ثبات و صورت بندی نظام سیاسی جدید، پاشنه آشیل انقلاب است. در تاریخ معاصر ایران، در

راویان، تاریخ نویسان جنگ بودند که جزئیات و کلیات جنگ را در همه زمینه ها از برنامه ریزی، تصمیم گیری، طراحی، اجرای عملیات و سیر جنگ گرفته تا زمینه ها و عوامل، نتایج و نیز پیروزی ها و شکست ها، در نوارها و دفاتر خود درج می کردند و مشاهدات خود را می نوشتند.

پشت خاکریزها، فرماندهان لشکرها و تیپ‌های سپاه را برای مقاومت در مقابل پاتک‌های عراق و حفظ هدف‌های تصرف‌شده، در داخل سنگرهای تصرف‌شده عراقی، دور هم جمع کرد و با دادن روحیه و راهنمایی‌های لازم، امکان ادامه نبرد و دست‌یافتن به هدف‌های بعدی را میسر ساخت. حضور او در صحنه نبرد در درون آتش و خون و در نزدیک‌ترین نقطه به دشمن که جای فرمانده گردان و گروهان است نه فرمانده سطح عالی، بارها و بارها او را به آستانه شهادت نزدیک

در حوزه پژوهش‌های دفاع مقدس، کارهای بی‌شماری بر زمین مانده که برخی از آنها برای حفظ این ثروت ملی و جامعه‌پذیری ایرانیان و نیز بقای سپاه پاسداران و حفظ روحیه پاسداران نسل‌های بعد با الگوپذیری از دفاع مقدس و نیز استحکام نظام سیاسی اسلامی، ضروری می‌باشند

کرد و چند بار نیز زخمی شد، اما شهید نشد. در آزادی‌سازی سنجندج (۴ تا ۲۶ ادریبهشت ۱۳۵۹)، عملیات‌های ثامن‌الائمه^(ع)، طریق‌القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، والفجر مقدماتی، والفجر ۱، خیبر و بدر، والفجر ۸ (فاو)، کربلای ۴ و کربلای ۵، و مآلاً والفجر ۱۰ در شمال‌غرب و ده‌ها عملیات محدود دیگر شاهد حضور رحیم صفوی هستیم. صفوی علاوه‌براین، در سطح عالی تصمیم‌گیری

جنگ نیز حضور داشته است و داده‌های زیادی دارد. وی چندی قبل در اصفهان در جمع راوی‌های سپاه درباره عملیات کربلای ۴ گفته بود: «عملیات کربلای ۴ توسط یکی از خودی‌ها لو رفته بود که کالک عملیات را برداشت و رفت پناهنده عراقی‌ها شد.» فاش کردن یکی از دلایل اصلی شکست عملیات کربلای ۴ پس از ۲۷ سال به منزله گشودن رازهای دفاع مقدس است که در اختیار فرماندهان می‌باشد. حضور هشت‌ساله رحیم صفوی همچون سایر فرماندهان اصلی دفاع مقدس در جنگ تحمیلی، اقتضا می‌کند که ریز و

از عملیات فتح‌المبین به بعد، نقش محسن رضایی در تصمیم‌گیری و طراحی جنگ تعیین‌کننده می‌شود. پس از فتح خرمشهر، در والفجر مقدماتی، در فاو، در کربلای ۵ و در سال ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷، حوادث جنگ بیشتر و بیشتر می‌شود و آقای رضایی باید عمیق‌تر وارد مسائل شده، در پاسخ به سؤالات مطرح‌شده، ابعاد، دامنه و لایه‌های زیرین جنگ، چرایی‌ها، اختلاف‌ها، مشکلات ارتش و سپاه و دانسته‌هایی را که فقط خود می‌داند، بیان کند. علاوه‌براین، اسناد شخصی شامل نامه و مکاتبات به امام، رؤسای جمهور و مجلس و نیز دیدارها، موضوعات درونی سپاه و جبهه‌های جنگ و... را برای درج در کتاب تاریخ شفاهی خود به مرکز بسپارد. اگر وی چنین کند، یکی از بدیع‌ترین و جذاب‌ترین آثار دفاع مقدس خلق خواهد شد.

در جلسات تاریخ شفاهی آقای رضایی، معمولاً آقایان علی شمشانی، غلامعلی رشید، سیدرحیم صفوی (یک جلسه)، احمد غلامپور، حسین علایی، عباس محتاج و دو سه نفر از فرماندهان سطح لشکرها و محورها بسته به موضوع بحث، حضور داشتند. از جلسه ۶۱ به بعد، جمع محدودتری در جلسات حضور خواهند یافت و گفت‌وگوها عمدتاً با حضور رضایی، رشید، اردستانی و احتمالاً یکی دو نفر دیگر از قرارگاه‌ها و لشکرها ادامه می‌یابد.

تاریخ شفاهی دکتر سیدرحیم صفوی، از فرماندهان کلیدی قرارگاه خاتم و قرارگاه مرکزی سپاه، تازه شروع شده است.

طراحی گفت‌وگو و موضوع‌بندی و سؤالات مدون شده و شروع گفت‌وگو چند هفته‌ای است که با تأخیر مواجه می‌شود، اما آقای صفوی پس از دو سال پیگیری اکنون مُصَر شده است که کار را آغاز کند.

صفوی، عملیاتی‌ترین فرمانده سطح اول جنگ است که ده‌ها بار باید شهید می‌شد، اما چنین نشد. او بارها در عملیات‌های مختلف در خط اول و

مناطق بستان، شمال خوزستان، خرمشهر، آبادان و جنوب اهواز آزاد کردند و برای اولین بار ظرف دو قرن گذشته، حتی نسبت به پیروزی ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، ایران را وارد مرحله‌ی نوینی کردند که می‌توان آن را تاریخ جدید ایران نام‌گذاری کرد، زیرا تا قبل از آن چنین توانایی از ایرانیان مشاهده نشده بود. این فرماندهان، فرزندان ملت را به نام رزمندگان بسیجی در سازمان رزم متفاوت از الگوی کلاسیک، با بُن‌مایه‌ی اعتقاد دینی، تبعیت مطلق از رهبری امام خمینی و شهادت‌طلبی، فرماندهی کردند و شکست‌های سنگین را یکی پس از دیگری در عملیات‌های ثامن‌الائمه^(ع)، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس بر دشمن وارد آوردند و قدرت سیاسی جدید را تثبیت کرده، قدرت ملی ایرانیان را به رخ دولت‌های مستبد منطقه‌ای و نظام سلطه جهانی کشیدند.

غلامعلی رشید در ادامه دفاع مقدس نیز تا پایان به‌عنوان تنها فرمانده، در کنار محسن رضایی در قرارگاه حضور داشت تا با بررسی و تجزیه‌وتحلیل رفتار دشمن، وی را در تصمیم‌گیری درست در مقابله با دشمن مدد رساند. قبل از عملیات و هنگام طراحی عملیات جدید، شمشانی، صفوی و رشید در کنار رضایی حضور داشتند، اما با شروع عملیات و رفتن رحیم صفوی به صحنه نبرد و خط مقدم، فقط رشید در قرارگاه در کنار فرمانده سپاه حضور داشت و مرتب گزارش یگان‌ها را می‌گرفت، از اخبار واحد شنود قرارگاه و از اقدامات دشمن مطلع می‌شد، فکر می‌کرد و نظرات خود را با رضایی در میان می‌گذاشت و در ادامه نیز درخصوص آرای محسن رضایی با سایر فرماندهان صحبت می‌کرد. قبل، حین و پس از عملیات، فرماندهان قرارگاه‌ها و یگان‌ها، بیش از همه نزد غلامعلی رشید می‌آمدند و مسائل یگان و مشکلات خود را با او مطرح می‌کردند. رحیم صفوی و رشید ملجأ و گوش شنوای فرماندهان بودند و در این میان، رشید بیشتر. مواجهه فرماندهان

درشت ذهنیات ایشان به کتاب، تصویر و حافظه تاریخی ایرانیان منتقل شود. تاریخ شفاهی آقای صفوی به‌تازگی، از بهمن ۱۳۹۲ آغاز شده است. غلامعلی رشید دائرةالمعارف جنگ است. حافظه قوی، یادداشت‌های مستمر و روزانه از جلسات و گفت‌وگوها، تسلط به موضوعات و ابعاد سطح عالی، میانی و خرد جنگ، از او گنجینه‌ای تمام‌نشدنی در حوزه دفاع مقدس ساخته است که باید به زبان آید. پژوهش‌های مکتوب هیچ‌گاه قادر نیستند ذهن رشید را که با فهم، تحلیل و تبیین می‌تواند آثار گران‌قدری را برای نیروهای مسلح و به‌طور خاص سپاه پاسداران و تاریخ جنگ به ارمغان آورد، پوشش دهند. غلامعلی رشید از پیروزی انقلاب اسلامی، از شمال خوزستان و منطقه دهلران تا فکه، شوش و دزفول، از همه تحرکات ضدانقلاب محلی و نفوذهای عراق در خاک ایران و فرستادن اسلحه برای خرابکاری در خوزستان و موضوعان پیرامون آن مطلع است. در دوره مهرماه ۱۳۵۹ تا مهرماه ۱۳۶۰ نیز رشید جزو مثلث فرماندهی جبهه‌های جنوب (صفوی، باقری، رشید) است که در جریان جنگ داود کریمی نیز به آنان اضافه می‌شود. این مثلث به همراه عزیز جعفری و غلامپور که در محور سوسنگرد فعال بودند، نقش کلیدی در مقابله با تجاوز، توقف و تثبیت دشمن و نیز اجرای عملیات محدود و ایذایی علیه ارتش بعثی عراق داشتند و دستاوردهای قابل‌ملاحظه‌ای نیز کسب کردند. با آمدن محسن رضایی، فرماندهان مذکور هرکدام بخشی از بار فرماندهی جدید جنگ را به دوش کشیدند و پنج‌ضلعی فرماندهی عملیاتی سپاه شامل: محسن رضایی، رحیم صفوی، غلامعلی رشید، عزیز جعفری و احمد غلامپور، با نقش عملیاتی - پشتیبانی و ستادی علی شمشانی و نیز نقش فرماندهان یگان‌هایی همچون حسین خرازی، احمد کاظمی، احمد متوسلیان، مرتضی قربانی و سایر فرماندهان، سرزمین‌های ایران را در

است. شمشخانی در مقابله با تجزیه طلبی خلق عرب، مقابله با تجاوزات مرزی و تسلیح برخی عناصر داخلی در خوزستان و به خصوص مقابله با تجاوز عراق که کانون آن در خوزستان بود، نقشی بی بدیل داشت. او صاحب نامه معروف «ای مسئولین به داد ما برسید» است. جمله کلیدی وی در این نامه که در زمان بنی صدر منتشر شد، چنین بود: «ما جان داریم بدهیم، اما ابزار جان دادن نداریم»، «بچه های ما آن قدر به دشمن نزدیک می شوند که تانک را لمس می کنند، اما سلاحی برای شلیک به آن ندارند».

شمشخانی، که برخلاف ماهیت طبقاتی خویش از طبقه مرفه در درون عشایر عرب وارد مبارزه و انقلاب و جنگ شد، از نادر فرماندهانی است که نوآور و عاشق حرف نو و غیر کلیشه ای و ابتکار و ابداع در فکر، سخن، روش و فرماندهی است. برخلاف سایر فرماندهان چه در زمان جنگ و چه پس از آن، از نقش وی کم گفته شده است. توان فرماندهی و مدیریتی وی، یک عامل تعیین کننده در آزاد شدن محسن رضایی از ستاد سپاه در تهران بود که توانست در درون جبهه ها ساکن و متمرکز شود. شمشخانی همه امور سپاه را جزئی ترین تا سطوح کلان به عهده گرفت و به خوبی آن را اداره کرد تا رضایی به جبهه ها بپردازد. شمشخانی در سال ۱۳۶۴ و در پی فرمان امام خمینی مبنی بر تشکیل سه نیروی زمینی، هوایی و دریایی به فرماندهی نیروی زمینی منصوب شد. پس از رضایی، قدرت فکری و تحلیلی شمشخانی در زمینه امور سیاسی داخلی، سیاست خارجی، مسائل دفاع مقدس و سازمان رزم و مانند آن، یک سر و گردن بالاتر از دیگران بوده است. باین همه، از این فرمانده لایق سپاه و جبهه های نبرد هیچ اثری درباره دفاع مقدس چاپ نشده است!

در سطح دوم، عزیز جعفری، احمد غلامپور، حسین علایی، مصطفی ایزدی، عباس محتاج، غلامحسین بشردوست، نورالله شوشتری و محمدباقر

با محسن رضایی رسمی تر بود، زیرا پرستیژ جدی و خودمانی نشدن رضایی باعث می شد که فرماندهان یگانها دهان و زبان خود را در گوش رشید و سپس رحیم بگذارند.

غلامعلی رشید، تاریخ نگار و تجربه نگار هم بود. او تقریباً از همه جلسات یا صحبت های مهم انجام شده یا مشاهداتش در دفتر خود یادداشت برداری می کرد، اما سایر فرماندهان این گونه نبودند؛ آنها فقط به یگان خود و عملیات توجه داشتند. به نظر نگارنده، پس از رضایی، جعبه سیاه جنگ تحمیلی، دفاتر نوشته شده رشید می باشد که سرشار از موضوعات دفاع مقدس در تصمیم گیری، هدایت عملیات، امور یگانها، دولت و جنگ، علل و عوامل پیروزیها و شکستها و دهها موضوع دیگر است. نگارنده به وی پیشنهاد می کند زیر نظر خود ایشان این دفاتر آماده چاپ شود، فرصت کم است و واقعیت های گفته نشده بسیار، ولذا راه بر تحریف و قلم فرسایی افراد کم اطلاع باز شده است. در دفاع مقدس، رشید نمونه نداشت و منحصر به فرد بود. مدل کوچک تر اما جامع مشابه وی، حسن باقری بود که فرماندهان او را جمع رحیم و رشید می دانستند؛ فرمانده طراح و فرمانده صحنه نبرد با ضریب هوشی و جسارت و شجاعت بسیار بالا. باقری زود شهید شد و یک هفته قبل از عملیات والفجر مقدماتی به خدا و سیدالشهدا پیوست و کمر محسن رضایی شکست.

با این اوصاف، تاریخ شفاهی غلامعلی رشید، یک اثر استثنایی دفاع مقدس است که مرکز آن را در اردیبهشت ۱۳۸۸ شروع کرده و تاکنون حدود ۱۲ جلسه برگزار شده است که با جلساتی که ضمام آن است، افزون بر ۳۵ جلسه شده است.

در سطح طراحی و تصمیم گیری - قرارگاه خاتم و مرکزی سپاه، علی شمشخانی، قائم مقام محسن رضایی از سال ۱۳۶۰ تا پایان جنگ، نقش مؤثری ایفا می کند. وی تا این لحظه حاضر به آغاز تاریخ شفاهی نشده

ساخته بود. در میان همه فرماندهان جنگ، برخورد عقلی با طرح‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و غلبه بر احساس در میدان جنگ، جزء ویژگی‌های عزیز جعفری است. جعفری، شمخانی و رشید را می‌توان در جرگه فرماندهان عقل‌گرای جنگ به شمار آورد. در همه عملیات‌ها، عمدتاً همان روز اول عملیات، باید او را نه در قرارگاه که در صحنه درگیری یافت. هماهنگی میان یگان‌ها و الحاق بین تیپ و لشکرها در خطوط پیشروی که موضوع بسیار مهم در فرماندهی نبرد برای دستیابی به نتایج و هدف‌ها بوده است، باید توسط فرمانده قرارگاه و با حضور در عمق میدان نبرد و نه در داخل قرارگاه و از پشت بی‌سیم حاصل می‌شد. عزیز جعفری با وقوف به این امر مهم از سوی فرماندهی سپاه، از روز اول عملیات در خطوط مقدم حاضر می‌شود و دیگر به عقب باز نمی‌گردد. وی به ستاد خود دستور می‌داد که قرارگاه تاکتیکی او را در یکی از سنگرهای عراقی یا در نقطه‌ای مناسب برپا کنند. این نقطه (سنگر فرماندهی) همواره آسیب‌پذیر و با سرمای زیاد همراه بود، زیرا عملیات‌های بزرگ سپاه از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ در فصل زمستان انجام می‌شد و در عرصه نبرد و درگیری با ارتش عراق، سنگر فرماندهی قرارگاه با سنگر فرماندهی یگان‌ها تفاوتی نداشت و این امر سختی‌های خاص خود را داشت. فرماندهی قرارگاه تا خط مقدم که فرمانده گردان حضور داشت و رزمندگان بسیجی می‌جنگیدند، یک الی دو سه کیلومتر بیشتر فاصله نداشت و در مقابل آتش دشمن به شدت آسیب‌پذیر بود. عزیز جعفری در عملیات کربلا ۵ در جنوب پنج‌ضلعی و نزدیک خط جاسم مجروح شد و اگر فردی که او را می‌شناخت، وی را در نوبت و صف مجروحان در بیمارستان (در حال اغما و مرگ) نمی‌دید، امروز فرمانده سپاه شخص دیگری بود و او به مقام عظمای شهادت نائل آمده بود. جلو و در خط مقدم بودن کار اکثر فرماندهان سپاه در هنگام

ذوالقدر قرار دارند که در قرارگاه‌های نجف، قدس، کربلا، نوح و قرارگاه‌های تاکتیکی سلمان، نصر، فتح، حنین، حدید و... ایفای نقش کرده‌اند.

عزیز جعفری، تأثیرگذارترین فرمانده سطح میانی است. دانشجوی مهندسی معماری در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، به اقتضای انقلاب و اسلام و در جریان مقابله با تجاوز عراق و آزادسازی سرزمین‌های اسلامی و تعقیب متجاوز با هدف تنبیه آن، به یک فرمانده تمام‌عیار نظامی غیرکلاسیک تبدیل شد. عزیز جعفری در

کنار فرماندهانی همچون رضایی، صفوی، رشید و... که همگی در دستگاه اندیشه و مکتب فکری سپاه پاسداران و در فضای فکری و رفتاری برآمده از انقلاب به قرائت امام خمینی، رشد کرده بودند، سبک جدید فرماندهی را بنیان گذاشتند. جعفری و غلامپور در محور سوسنگرد، در مقابله با تجاوز عراق و آزادکردن شهر سوسنگرد و متوقف‌ساختن پیشروی ارتش عراق، نقش مهمی را

ایفا کردند. جعفری در عملیات‌های تأمن‌الائمه^(ع) و به‌خصوص در عملیات‌های طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس یک فرمانده تأثیرگذار عملیاتی بود و پس از آزادی خرمشهر و در جریان عملیات‌های والفجر مقدماتی به بعد، یک فرمانده کلیدی جنگ به شمار می‌رفت. توان نظامی به‌لحاظ درک، قدرت تجزیه‌وتحلیل صحنه نبرد و دشمن، مدارا با فرماندهان یگان‌ها و متغیرهای دیگری از این دست، امکان قرارگرفتن در رأس هرم قرارگاهی را مابین فرماندهی سپاه و فرماندهان یگان‌ها برای او ممکن

نقش محسن رضایی در شرایط بحرانی پس از انقلاب تا قبل از فرماندهی جنگ، و اهمیت و تأثیر کلیدی آن در حفظ نظام و امکان عبور انقلاب از مرحله جنینی به بلوغ و تکامل، به‌کل مغفول مانده است.

کار باید توسط مرکز دنبال شود.» و ایشان در پاسخ گفت: گفت‌وگوی مرکز با من باید درباره موضوعات تخصصی جنگ انجام شود که مسئول مرکز در صدد است با تهیه طرح مناسب، در آینده نزدیک مصاحبه با ایشان را آغاز کند.

احمد غلامپور فرمانده دیگر سطح میانی است که نام او با قرارگاه کربلا و خوزستان گره خورده است. غلامپور را که از مادر عرب است، باید همچون علی شمخانی جزء کسانی دانست که تفکر منحط

بعثی مبنی بر حمایت عرب‌های خوزستان از ارتش عربی عراق را نقش بر آب کردند. این دو فرمانده جزء سرآمد فرماندهان نظامی جنگ شدند و در تحولات جنگ نقش چشمگیری ایفا کردند. غلامپور که در خانه، از خانه و سرزمین و انقلاب دفاع می‌کرد، باید حرف‌های بسیاری برای گفتن داشته باشد. او از پیروزی انقلاب و تحرکات مرزی ارتش عراق و فعالیت ستون پنجم دشمن تا تجاوز عراق و مقاومت در مقابل

آن تا آزادسازی مناطق اشغالی و نیز پس از حوادث خرمشهر تا فاو و تا پایان جنگ و حتی زمانی که بار دیگر ارتش عراق، فاو، شلمچه و مجنون را اشغال کرد، در میدان حضوری فعال داشته و بارها تا مرز شهادت پیش رفته است. غلامپور نیز مانند عزیز جعفری، در سطح میانی به‌عنوان حلقه اتصال فرماندهی عالی و تیپ و لشکرهای سپاه ایفای نقش کرد و الحق از ابتدا تا انتهای جنگ و در طول ۸ سال جنگ نابرابر، با همه محدودیت‌ها و کمبودها و ده‌ها عامل محدودیت‌زای دیگر، همواره با روحیه بالا و رویکرد مثبت و امیدوار، با

عملیات بود و این روحیه در بعضی مثل جعفری بیشتر بود.

از ویژگی‌های فرماندهی عزیز جعفری علاوه بر نکات پیش گفته، صراحت در بیان نظر و پافشاری بر نظرهای خود بود. وی در جلسات خیلی پر حرف نبود و البته به‌هنگام لزوم به‌طور کامل آرای خود را بیان می‌کرد. عزیز جعفری که تا عملیات رمضان معاون قرارگاه بود، از آن پس تا پایان جنگ، فرمانده اصلی‌ترین قرارگاه میانی در همه عملیات‌ها بود؛ ابتدا فرمانده قرارگاه نجف و سپس فرمانده قرارگاه قدس. نگارنده از نزدیک و به‌عنوان راوی، شاهد آنچه گذشته، بوده است و طرح موضوعات این چنینی درباره وی و سایر فرماندهان، به همراه طرز فکر، منش و شخصیت، نوع و چگونگی فرماندهی و ده‌ها موضوع و زیرموضوع دیگر باید به نوشته مستقل دیگری احاله شود.

آقای گلعلی بابایی خاطرات آقای عزیز جعفری را از قبل از انقلاب تا ورود به جبهه و تا عملیات بیت‌المقدس در کتابی به نام کالک‌های خاکی گرد آورده و انتشارات سوره مهر آن را منتشر کرده است. این کتاب نتیجه هشت جلسه مصاحبه و مطالب دیگری است که نویسنده به آن افزوده است. نگارنده به‌عنوان مسئول مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در نامه‌ای به تاریخ ۸ دی ۱۳۹۲، به آقای جعفری نوشت: «پس از مطالعه کتاب کالک‌های خاکی با محتوای خاطرات جناب عالی از خانواده و خردسالی تا عملیات بیت‌المقدس، اینجانب با نگاه کارشناسی و پژوهشی معتقدم تاریخ شفاهی شما باید توسط مرکز با رویکرد واکاوی ابعاد جنگ تحمیلی با محوریت نقش شما در ابعاد، زمینه‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، عملیات‌ها، فرماندهی، محدودیت‌ها، علل و عوامل و نتایج و نیز اندیشه و مکتب دفاعی سپاه پاسداران و نیز مؤلفه‌های ساختاری دفاع مقدس و ده‌ها موضوع و زیرموضوع دیگر انجام شده و این

صفوی، عملیاتی‌ترین فرمانده سطح اول جنگ است که حضور او در صحنه نبرد در درون آتش و خون و در نزدیک‌ترین نقطه به دشمن که جای فرمانده گردان و گروهان است نه فرمانده سطح عالی، بارها و بارها او را به آستانه شهادت نزدیک کرد و چند بار نیز زخمی شد، اما شهید نشد.

با گزارش‌های مستمر و پیاپی از دشمن، تحرکات ارتش عراق را دائم رصد کرده، فرماندهی کربلا و حتی فرمانده عالی را برای تصمیم‌گیری و طراحی مناسب تغذیه فکری می‌کرد. گزارش‌های نوبه‌ای و کالک‌ها و موقعیت‌های جزئی و کلی دشمن هنوز جزء اسنادی است که نشان‌دهنده تلاش جوانی بود که بعدها در سطح ملی مسئولیت اطلاعات نظامی را عهده‌دار شد. ویژگی دیگر محرابی برای غلامپور آن بود که موجب می‌شد قرارگاه کربلا هیچ‌گاه در گزارش‌دهی به رده بالاتر دچار مشکل نشود، زیرا محرابی بیشتر از آنچه اطلاعات داشت می‌توانست حرف بزند و با احساس نیز گزارش دهد.

احمد غلامپور چنانچه خو، دقیق و کلی و به‌خصوص جزئی مورد پرسش قرار گیرد، می‌تواند اطلاعات و ناگفته‌های بسیاری را درباره دشمن، خودی، شرایط جبهه‌های جنوب در اول جنگ، وضعیت سوسنگرد و بستان و حتی درباره وضعیت و سرنوشت روستاهای غرب و جنوب خوزستان در اختیار نسل آینده بگذارد. غلامپور در کنار شهید غیور اصلی، خلق‌کننده بزرگترین حماسه تاریخ دفاع مقدس در دهم مهرماه ۱۳۵۹ در محور حمیدیه است که توانستند با انهدام تعدادی از تانک‌های دشمن، ارتش عراق را وادار به عقب‌نشینی تا بستان کنند. انجام‌نشدن این حمله و پیشروی بیشتر ارتش عراق می‌توانست به سقوط اهواز، مرکز استان خوزستان، بینجامد و باتوجه به پیشروی ارتش عراق تا رودخانه کرخه و استقرار پشت دیوارهای شهر شوش و نزدیک دزفول در شمال خوزستان، خسارت جبران‌ناپذیری به جمهوری اسلامی وارد شود؛ اما حمله ۱۰ مهر موازنه جنگ را در سخت‌ترین شرایط که ارتش عراق از چندین محور، درصدد تصرف کل استان خوزستان بود، برهم زد و البته در داستان مقاومت در مقابل عراق، نقش علی شمخانی، بزرگ، اما مغفول مانده است.

طرح‌ها و دستورات فرماندهان بالای سپاه از یک‌سو و رفتار فرماندهان یگان‌ها، که بعضاً برخوردهای واگرایانه و منفی داشتند، از سوی دیگر، نقش قابل‌ملاحظه‌ای در موفقیت‌های نبرد علیه دشمن بعثی و حامیان آن داشت. آن مقدار که نگارنده شاهد بوده و نیز از سایر راویان شنیده، خلق و خوی احمد غلامپور و روحیه گرم و صمیمی وی با فرماندهان زبردست به‌خصوص با فرماندهان لشکرهای اصفهانی که فرماندهی بر آنان کار آسانی نبود، یک عامل پیش‌برنده و تعیین‌کننده در اداره صحنه نبرد و موفقیت‌ها یا کاهش آلام شکست‌ها بوده است. زوج عزیز جعفری و احمد غلامپور، نقطه اتکای فرماندهی سطح عالی سپاه بودند و اصولاً پس از حلقه اول، این دو مهم‌ترین ستون‌های حلقه دوم به شمار می‌رفتند.

گروه عملیاتی احمد غلامپور، فرمانده قرارگاه کربلا، از سال سوم و چهارم جنگ تا پایان، ترکیب ثابتی داشت؛ احمد صیاف‌زاده، معاونت عملیات و معاون پر جنب‌وجوشی که نقش مکمل

را برای او ایفا می‌کرد، برای غلامپور در حد یک فرمانده بود، گزارش‌های سریع و دقیق صیاف‌زاده از میدان نبرد در صبح عملیات امکان تصمیم‌گیری صحیح و سریع را برای غلامپور فراهم می‌ساخت. احمد صیاف‌زاده خون‌گرم‌تر از خود غلامپور با چهره خندان، فردی تأثیرگذار در قرارگاه کربلا و در پیشبرد امور بود. غلامرضا محرابی زوج دیگر تیم غلامپور بود. محرابی که با سنی کم وارد جنگ شده و در جبهه بسیار فعال و کوشا بود، پس از ۳، ۴ سال یک فرمانده مجرب اطلاعات نظامی شد که

غلامعلی رشید دائرةالمعارف جنگ است. حافظه قوی، یادداشت‌های مستمر و روزانه از جلسات و گفت‌وگوها، تسلط به موضوعات و ابعاد سطح عالی، میانی و خرد جنگ، از او گنجینه‌ای تمام‌نشدنی در حوزه دفاع مقدس ساخته است که باید به زبان آید.

۱۳۹۱ گفت‌وگو شده و مهندس حسن بیگی نیز از تاریخ ۹ مرداد ۱۳۹۰، ۶ جلسه درباره نقش جهاد سازندگی صحبت کرده است.

گفت‌وگوی جذاب و شنیدنی دیگر مرکز، با آقای علی اسحاقی مسئول شنود قرارگاه مرکزی سپاه است که از ۱۰ خرداد ۱۳۹۱ آغاز شده و ۶ جلسه ضبط شده است و ادامه کار به دلیل اشتغالات ایشان متوقف مانده است.

تاریخ شفاهی همسران فرماندهان سپاه

فعالیت جدید مرکز در زمینه تاریخ شفاهی، گفت‌وگو با همسران فرماندهان است. در این خصوص، مصاحبه با سرکار خانم خدنگ، همسر محترم آقای دکتر رضایی و سرکار خانم ترابی‌کیا، همسر محترم سردار غلامعلی رشید، آغاز شده که مصاحبه سرکار خانم خدنگ در مراحل پایانی و در آستانه ورود به مرحله تدوین است و مصاحبه سرکار خانم ترابی‌کیا حدود ۵۰ درصد پیشرفت داشته است. مصاحبه با سرکار خانم

شبان‌فر، همسر محترم سردار صفوی، در مراحل اولیه است و مصاحبه با همسر محترم آقای علی شمخانی نیز در آستانه اقدام است. مصاحبه با سرکار خانم بشر دوست، همسر محترم آقای عزیز جعفری، فرمانده محترم سپاه نیز امید می‌رفت که آغاز شود، اما هنوز موافقت ایشان جلب نشده است.

نتیجه‌گیری

تاریخ شفاهی، راه میانبر پژوهش‌های جنگ

تاریخ شفاهی آقای احمد غلامپور از ۲۷ مرداد ۱۳۸۸ آغاز شده و تاکنون ۳۲ جلسه برگزار شده است. در آینده نزدیک در سال ۱۳۹۳، جلد اول گفت‌وگو با ایشان توسط مرکز منتشر خواهد شد.

در سطح میدانی، تاریخ شفاهی فرماندهان دیگری همچون آقایان حسین علایی و محمدباقر ذوالقدر در دست اقدام است. گفت‌وگو با آقای علایی از ۷ مهر ۱۳۸۸ شروع شد و در تاریخ ۵ دی ۱۳۹۰ با برگزاری ۶۸ جلسه یک‌ساعته پایان یافت و تاریخ شفاهی ایشان در حال تدوین و انتشار است. گفت‌وگو با آقای محمدباقر ذوالقدر که بیشتر بیان نقش قرارگاه رمضان در جنگ است، از تاریخ ۲۹ شهریور ۱۳۹۲ آغاز شد و در مجموع ۱۲ جلسه برگزار گردید.

در سطح سوم به تاریخ شفاهی فرماندهان لشکرهای سپاه پاسداران پرداخته شده است که در همین خصوص گفت‌وگو با آقای مرتضی قربانی، فرمانده دلاور و خط‌شکن لشکر ۲۵ کربلا، از ۲۸ تیر ۱۳۸۸ شروع شده و ۱۶ جلسه ضبط شده و امید است که مرکز، جلد اول آن را در سال ۱۳۹۳ منتشر کند. علاوه بر ایشان، تاریخ شفاهی آقای محمدرضا ابوشهاب، جانشین و در برخی عملیات‌ها فرمانده لشکر امام حسین (ع)، از سوم اسفند ۱۳۹۰ کلید خورده و تاکنون ۲۲ جلسه ضبط شده است. تدوین اولیه این گفت‌وگوها در دست انجام است.

علاوه بر موارد یادشده، با آقای مهدی شیرانی‌نژاد از مسئولان مخابرات زمان جنگ، ۲۷ جلسه مصاحبه انجام شده و پس از تدوین اولیه در آستانه چاپ می‌باشد. تاریخ آغاز این گفت‌وگو، ۲۸ مرداد ۱۳۸۹ بوده است. و سرانجام در خصوص تاریخ شفاهی قرارگاه حمزه (کردستان) با آقایان حسن رستگارپناه ۱۲ جلسه مصاحبه از تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۵۸ و دکتر ابراهیم سنجقی ۳ جلسه از تاریخ ۶ آبان ۱۳۸۹ انجام شده است. با مهندس سرداری نیز درباره طرح آب، ۶ جلسه از تاریخ ۱۷ فروردین

عزیز جعفری در کنار فرماندهانی همچون رضایی، صفوی، رشید و... که همگی در دستگاه اندیشه و مکتب فکری سپاه پاسداران و در فضای فکری و رفتاری برآمده از انقلاب به قرائت امام خمینی، رشد کرده بودند، سبک جدید فرماندهی را بنیان گذاشتند.

جنگ، از تاریخ شفاهی دو تا سه فرمانده اصلی دفاع مقدس، رونمایی کند که برای پیشبرد این امر عظیم به مساعدت جدی فرماندهی سپاه پاسداران نیازمند است. مرکز ظرف سه چهار سال گذشته، ۳۰۷ جلسه تاریخ شفاهی برگزار کرده که در همین خصوص، در حدود ۴۴۲ ساعت فیلم و سی دی تهیه شده است. این کار در مرکز با یک مدیریتی دو نفره و دو اتاق و بودجه بسیار محدود، به‌رغم نداشتن استودیو برای ضبط و تصویر، پیگیری شده و تحقق یافته است. سطح و کیفیت کار به‌گونه‌ای است که با گزینش جزئی و کلی جلسات ضبط‌شده، امکان پخش آن از سیمای جمهوری اسلامی و از شبکه‌های مختلف آن، بدون هیچ اشکالی فنی میسر است.

امید است در آینده نزدیک تاریخ شفاهی فرماندهان دیگر نیز آغاز شود: علی شمخانی، علی فضلی، محمدجعفر اسدی، عبدالمحمد رئوفی، نبی‌رودکی، محمد کوثری، غلامحسین بشردوست، قاسم سلیمانی، محمد افشردی (باقری)، غلامرضا جعفری، مهدی کیانی، یعقوب زهدی، علی عساکره، علی فدوی، حسین دهقان، علیرضا عندلیب، محمد پاکپور، حسن آقایی، کسائیان، سیدعلی بنی‌لوحی و... حسرت تاریخ شفاهی فرماندهان گرانسنگی همچون احمد کاظمی، نورالله شوشتری و حسن تهرانی‌مقدم که در جنگ شهید نشده بودند، بر قلم تاریخ‌نگاران مرکز مانده است و جامعه و تاریخ ایران از گنجینه ذهن و دل آنها برای توشه‌گیری راه پرپیچ‌وخم انقلاب و مقاومت، محروم مانده‌اند.

تاریخ شفاهی، در لایه‌های بعدی در سطح فرمانده تیپ و فرمانده گردان نیز با رویکرد حماسه و مقاومت موردنظر مرکز است که پس از فراهم کردن مقدمات لازم می‌تواند آغاز شود.

تحمیلی است. به‌رغم محدودیت‌های پیش رو، این روش قادر است به عرصه نویسندگی و پژوهش‌های جنگ عراق و ایران، وسعت قابل‌ملاحظه‌ای بخشیده، ابعاد وسیع این پدیده بزرگ و تاریخی را جست‌وجو و ثبت و ضبط کند.

در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، تاریخ شفاهی فرماندهان، دیر آغاز شد و این تأخیر احتمالاً لطمه واردشدن به تاریخ مقدس را در پی خواهد داشت، زیرا در دوران پس از جنگ، به‌خصوص در دهه اخیر، در بازار دفاع مقدس افراد زیادی از فرمانده و سردار و کسان دیگر، با انگیزه‌های متفاوت وارد این عرصه شده‌اند و متأسفانه با تعدادی از فرماندهان گفت‌وگو شده که یا خروجی مناسب را در پی نداشته است یا دست‌اندرکاران آن قادر به تدوین آن با کیفیت لازم نبوده‌اند. راولیان مرکز به دلیل حضور درکنار فرماندهان و یگان‌ها و قرارگاه‌ها، جزء معدود افرادی هستند که می‌توانند فرماندهان را به سخن آورده، لایه‌های زیرین مسائل

دفاع مقدس را از ذهن آنان بیرون بکشند و به جامعه امروز و فردا عرضه کنند. خوشبختانه فرماندهی سطح عالی و میانی به این نکته آگاه بوده و با مرکز همراهی کامل داشته‌اند.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس امیدوار است سال ۱۳۹۳ مصادف با سی و چهارمین سال آغاز تجاوز عراق و نیز مصادف با بیست‌وششمین سال پایان

خلق و خوی احمد غلامپور و روحیه گرم و صمیمی وی با فرماندهان زیردست به‌خصوص با فرماندهان لشکرهای اصفهانی که فرماندهی بر آنان کار آسانی نبود، یک عامل پیش‌برنده و تعیین‌کننده در اداره صحته نبرد و موفقیت‌ها یا کاهش آلام شکست‌ها بوده است.